

اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در سوره مائده با استفاده از روش «تفسیر ساختاری»*

[بی بی زینب حسینی^۱ / محسن برزمنده^۲]

چکیده

سوره مائده یکی از سوره‌های بلند قرآن، و آخرین سوره نازل شده بر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در این سوره آیاتی از جمله آیات ولایت، تبلیغ و اکمال وجود دارد که مفسران شیعه برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، به آنها استناد می‌کنند. ناسازگاری سیاق پیشین و پسین آیه سوم این سوره (آیه اکمال) - که مربوط به گوشت‌های حرام است - با مسئله اکمال دین، مفسران را بر آن داشته که راهکارهایی برای حل این معضل تفسیری ارائه دهند؛ راهکارهایی مانند: عدم پیوستگی در صدور، پراکندگی در نزول، و یا معترضه بودن عبارت «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ». در این پژوهش، با استفاده از روش «تفسیر ساختاری» و ابزارهای آن، راهکار علمی جدیدی در حل این معضل تفسیری ارائه می‌شود؛ راهکاری که نه تنها مسئله ناسازگاری ظاهری سیاق را در آیه اکمال، برای نخستین بار می‌گشاید، بلکه نمای جدیدی از سوره مائده ارائه می‌کند، که ارتباط بین آیات با مسئله ولایت روشن‌تر خواهد شد. در این سوره خداوند بر مسئله ولایت به عنوان مهم‌ترین نعمت برای جامعه انسانی تأکید کرده است، که سایر نعمات مادی و معنوی در پرتو آن قابلیت بهره‌برداری پیدا می‌کنند. خداوند در سوره مائده، ویژگی‌های حاکم شایسته و وظایف مردم در برابر او را بیان می‌کند؛ تطبیق این ویژگی‌ها با گزاره‌های تاریخی به جامانده از سده نخست هجری، خود مبین حقانیت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ هرچند نامی از آن حضرت در این سوره ذکر نشده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر ساختاری، تحلیل محتوا، سیاق، آیه اکمال، نعمت.

* تاریخ دریافت مقاله: (۹۷/۱۰/۰۱)، تاریخ پذیرش: (۹۷/۱۲/۰۸).

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه یاسوج، Zhosseini1400@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، mohsenb1372@mihanmail.ir

مقدمه

متکلمان شیعه در طول تاریخ، به آیات مختلفی از سوره مبارکه مائده همچون آیه ۳ و ۵۵ و ۹۲، برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام استناد کرده‌اند. در سیاق آیه سوم، مشکلی برای استدلال کلامی وجود دارد؛ مفسران و متکلمان، راهکارهای متفاوتی برای حل این مشکل تفسیری ارائه داده‌اند. استفاده از روش‌های جدید دانش زبان‌شناسی مانند نظریه انسجام متنی، ساختارگرایی و... ابزارهای جدید و کارآمدی در اختیار مفسر قرآن کریم قرار می‌دهد؛ یکی از این روش‌ها، روش تفسیر ساختاری است. استفاده از این روش، نمای جدیدی از سوره مائده ارائه می‌کند که افزون بر حل مشکل سیاق در آیه اکمال، ویژگی‌های یک حاکم اسلامی و وظایف مردم در برابر وی را نیز تبیین می‌کند و نه تنها آیه ولایت و اکمال، بلکه کل سوره مائده را در خدمت اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و تبیین ویژگی‌های حاکم قرار می‌دهد. تفسیر، بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکارکردن مراد خدای متعال، بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است.^۱ یکی از سبک‌های جدید در تفسیر قرآن، روش تفسیر ساختاری است.

در طول تاریخ اسلام تلاش‌های گسترده‌ای از جانب مفسران، در جهت کشف معانی و مفاهیم قرآن کریم سامان یافته است. این کوشش‌ها نگرش جزءنگرانه به آیات موجود در سوره قرآن کریم داشته‌اند؛ ولی در قرن اخیر، مفسران بزرگ تحت تأثیر مطرح شدن نظریات زبان‌شناسی، به تدریج نگرش ساخت‌گرا به متن قرآن کریم داشته‌اند.^۲ گام‌های نخستین این نگرش، در تفاسیری چون المیزان و فی ظلال القرآن دیده می‌شود؛ ولی به تدریج، این روش، کامل‌تر گردید و حتی برخی همچون سعید حوی در الأساس، تلاش کردند که مجموعه‌ای کامل از تفسیر قرآن کریم بر اساس این روش ارائه کنند.

مبنای تفسیر ساختاری، حکیمانه بودن قول خداوند است. به عبارت دیگر، وحدت غرض در سوره، اقتضای کلام بلیغ است؛ بنابراین اگر برخی عبارات، در حصر سوره

۱. بابایی، علی‌اکبر، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۳۲.

۲. صادقی، علی، «تفسیر ساختاری سوره کوثر»، مطالعات تفسیری، ۲۲/۴۵-۶۶.

قرار گرفته، دارای قدر مشترکی می‌باشند که این مطالب را تحت یک غرض جامع قرار داده است.^۱ این مسئله منجر به ارائه دریافت‌های جدید از سوره می‌شود. به عبارتی خداوند بی‌جهت از موضوعات مختلف در یک سوره سخن نمی‌گوید و موضوعات قرآنی، حتی در سوره بزرگ قرآن کریم، در پرتو غرض مشترک، دارای ارتباط هستند؛ اگرچه ممکن^۲ است کشف این ارتباط در برخی سوره، به سادگی امکان‌پذیر نباشد. این نظریه مبتنی بر نظریه ترتیب توقیفی آیات است. براساس این روش تفسیری، ممکن است یک آیه که دارای مفهومی عام است، در ساختار سوره و در پرتو غرض سوره، مفهوم جدیدی بیاید. در این پژوهش نمونه‌هایی از این دست ارائه می‌شود.

در تفسیر ساختاری مفسر با توجه به سیاق آیات یک سوره و نظام حاکم بر آنها، غرض واحد و مشخصی را برای سوره کشف می‌کند و با نظمی منطقی، ارتباط آیات سوره را با آن غرض روشن می‌سازد.^۳ در این باره که آیا می‌توان روش تفسیر ساختاری را به مثابه یک روش و منبع تفسیری به شمار آورد، دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. این پژوهش، بر این پیش‌فرض استوار است که تفسیر ساختاری، یک روش تفسیری است.^۴ در فرایند کشف غرض سوره، از ابزارهای مختلفی مانند نام سوره، تحلیل محتوا، اسباب نزول، جغرافیای نزول، آیات ابتدایی و انتهایی و کلمات پرکاربرد استفاده می‌شود؛ در تشخیص غرض سوره مائده نیز از برخی از این ابزارها استفاده می‌شود.

۱- نام سوره: «مائده»

سوره مائده یکی از هفت سوره بلند قرآن کریم است.^۵ این سوره به خاطر دعای حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام برای نزول مائده آسمانی - که در آیه ۱۱۴ آمده - «مائده» نامیده

۱. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره قرآن کریم، ص ۹۳.

۲. بوستانی، محمود، «التفسیر البنائی للقرآن الکریم»، المصباح، ۱/۱۵۱ - ۱۸۴.

۳. خامه‌گر، محمد، تفسیر آفتاب، ص ۱.

۴. حسینی، بی‌بی‌زینب، «جایگاه روش تفسیر ساختاری در فهم قرآن»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۱/۱۳۳ - ۱۵۲.

۵. سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان، ۱/۲۲۴.

شده است. البته به سوره «عهد» و «عقود» نیز نام گذاری شده است.^۱ در کتب لغت عربی، مائده را از ریشه «مید» دانسته اند که دارای دو اصل است؛ یکی به معنای فضل و عطا و دیگری به معنای حرکت و کشش.^۲ ریشه شناسی این واژه نشان می دهد که واژه مائده، از ریشه مضاعف ثلاثی «مَدَّ» مشتق شده است و با واژگان میدان، آمد، ماد و... هم ریشه است.^۳ در زبان عبری ریشه مید 7276 و در زبان سریانی حعد- به معنای نعمت و رفیق است.^۴ واژه 7176، در تورات به معنای شکر نعمت آمده است.^۵ برخی بر این باورند که نام سوره مائده، از شام آخر در انجیل گرفته شده است.^۶

در کتاب مقدس، غذا خوردن برسریک سفره، رسمی مذهبی به شمار می آید و خوردن غذا برای متدینان، برسریک سفره، در واقع به معنای شریک شدن با خداوند است. در روایات دینی، عهد و پیمان بستن معمولاً در کنار سفره غذا بوده است.^۷ نام گذاری سوره آخر قرآن کریم به مائده، با موضوع عشای ربانی یا شام آخر در کتاب مقدس، از چند جهت مرتبط است:

اول: «مائده» در کتاب مقدس، آخرین شامی است که پس از آن، طبق باور مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام به صلیب کشیده شد؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز پس از نزول سوره مائده، با گذشت اندک زمانی از دنیا رفت.

دوم: در شام آخر، حضرت عیسی علیه السلام، از خیانت یهودا بیمناک بود؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. زرکشی، محمد، البرهان، ۱/۳۳۶.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ۵/۲۸۸.

۳. فاروق، مراد، ملتقی اللغتين العبرية والعربية، ۲/۲۲۹.

۴. کاستاز، لوئیس، دیکشنری سریانی - انگلیسی، ص ۱۸۲؛ ی، قوجمان، دیکشنری عبری - عربی، ص ۴۲۷؛ مزراحی، فیلیکس، قاموس عبری - عربی، ص ۲۳۵؛ حیم، سلیمان، دیکشنری عبری - فارسی، ص ۲۵۷.

۵. مزراحی، فیلیکس، همان، ص ۲۷۰.

۶. جفری، آرتور، واژه های دخیل در قرآن مجید، ص ۳۶۴.

۷. فیورلین، بروج، القاموس الموسوعة للعهد الجديد، ص ۱۴۳.

نیز در روزهای آخر حیات خود، از خیانت منافقان بیمناک بود: ﴿وَاللَّهُ يَعْصُمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾^۱.

سوم: نزول مائده در بین مسیحیان، در روز عید پسخ بود^۲ و سوره مائده نیز در روز عید غدیر بر رسول اکرم ﷺ نازل شد.^۳ در روایت آمده است که یهودیان به عمر بن خطاب گفتند که اگر آیه اکمال بر ما نازل شده بود، آن روز را عید اعلام می کردیم.^۴ چهارم: خداوند در شام آخر، بر حواریون منت نهاد و برایشان سفره ای از نعمت فرود آورد و از ایشان خواست که پیمان شکنی نکنند.^۵ در سوره مائده نیز خداوند نعمت خود را بر مسلمانان کامل می کند و از ایشان می خواهد که پیمان شکنی نکنند و به آن چه در مقابل نعمت از ایشان خواسته شده است، پایبند باشند.^۶ بنابراین نام سوره «مائده»، غرضی را نشان می دهد که با نعمت و میثاق در ارتباط است.

۲- بافت موقعیتی و جغرافیای نزول سوره

یکی دیگر از ابزارهای تفسیر ساختاری در تشخیص غرض سوره، توجه به بافت موقعیتی و فضای نزول سوره است؛ چراکه معمولاً مفاهیم، خارج بافت موقعیتی ای که در آن قرار دارند، نمی توانند تحقق یابند.^۷ بنابراین توجه به فضای نزول سوره مائده، می تواند در تبیین غرض این سوره مؤثر باشد. برخی از قرائن مفید برای این منظور عبارت اند از:

۱. مائده: ۶۷.

۲. عید پسخ، عید آزادی قوم یهود از قید برده داری فرعون های مصر است. عید پسخ با مراسمی پرشکوه و نیایش ها و آوازهای مذهبی همراه است و خوراکی های ویژه دارد. این عید، یکی از سه عید بزرگ یهودیان به شمار می آید.

۳. شهرستانی، محمد، نهاية الاقدام، ص ۲۷۵.

۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۳۲۰/۱؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ۱۸/۱؛ حنفی، عبد المنعم، موسوعة القرآن الکریم، ۴۸/۱.

۵. متی: ۶.

۶. مائده: ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۷۰.

۷. عون، علی ابوالقاسم، بحوث في اللغة والفکر، ص ۱۱۴.

۲-۱- آخرین سوره نازل شده

اصطلاح «آخر ما نزل» به معنای آخرین آیات یا سوری است که بر رسول اکرم ﷺ نازل شده است.^۱ شناخت «آخر ما نزل» از این جهت دارای اهمیت است که در آخرین سوره، باید مهم‌ترین و کلیدی‌ترین موضوعات مطرح شود. چنان‌که در خاتمه یک کتاب، نتیجه‌گیری کلی موضوعات طرح می‌شود. بنابراین سوره مائده، حاوی مهم‌ترین نتایج آموزه‌های قرآنی باید باشد. هم‌چنین «آخر ما نزل» می‌تواند دغدغه‌های گوینده سخن را برای ادامه مسیر رسالت نشان دهد؛ چیزی که شواهد آن در سوره مائده، کاملاً آشکار است؛ شواهدی همانند این‌که برخی از قرآن تبعیت نمی‌کردند و به دنبال گرفتن آموزه‌های دینی از یهودیان بودند و این مسئله، رسول خدا را دچار اندوه و ناراحتی می‌کرد.^۲ ممکن است برخی درباره «آخر ما نزل» بودن سوره مائده، اختلاف نظر داشته باشند،^۳ ولی کسی درباره این‌که سوره مائده، در سال پایانی حیات رسول خدا ﷺ نازل شده، تردید نکرده است.

۲-۲- حجة الوداع

یکی دیگر از قرآنی که تبیین‌کننده شرایط و موقعیت نزول سوره مائده است، نزول این سوره در مراسم حجة الوداع است. نام حجة الوداع، نشانگر این بود که حیات رسول اکرم ﷺ، رو به اتمام بود. در این حج رسول خدا خطبه‌ای خواند که با اختلافی اندک، در منابع حدیثی شیعه و سنی آمده است.^۴ وی در این خطبه فرمود: «إِنَّهُ قَدْ نَبَأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنِّي مَيِّتٌ وَأَنْكُمْ مَيِّتُونَ وَكَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فَأَجِبْتُ»؛^۵ و نیز فرمود: «إني تارك فيكم الثقلين، كتاب الله و عترتي...».^۶ این روایت در کتب روایی شیعه

۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۵۵۷.

۲. مائده: ۵۲.

۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۷۰/۳؛ ابن ضریس، محمد بن ایوب، فضائل القرآن، ص ۳۵.

۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ۱۷۲/۲؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ۱۹۷/۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۴۴/۴.

۵. بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ۱۰۸/۲.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۶۵۱/۶.

و سنی، به طرق متعددی نقل شده است. کلمه «تارک» نشانگر آن است که رسول اکرم ﷺ از رحلت قریب الوقوع خود مطلع بود و مردم را نیز از آن مطلع کرد.

۲-۳- رقابت برای جانشینی

برخی از موضوعات گزارش شده از سال‌های پایانی حیات پیامبر خدا نشان می‌دهد که با ظاهر شدن آثار پیری و بیماری در وجود مبارکش، مسئله رقابت برای جانشینی وی اهمیت یافته بود.^۱ این مسئله در سبب نزول سوره تحریم و دل‌نگرانی عایشه و حفصه در مورد فرزند پسر رسول اکرم ﷺ گزارش شده است؛^۲ و نیز در ماجرای تخلف ابوبکر و عمر از فرماندهی اسامه برای خروج از مدینه، در روزهای پایانی حیات رسول خدا ﷺ که احتمال تعیین جانشین برای وی، قوت پیدا کرده بود.^۳ هم چنین مسئله حدیث قرطاس و قلم و همکاری نکردن عمر بن خطاب برای وصیت پایانی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد^۴ که موضوع تعیین جانشین و ملاک‌های شناخت حاکم شایسته، از مسائل مهم آن مقطع از تاریخ بوده است.

بنابراین بررسی فضای نزول سوره مائده نشان می‌دهد که نزول آن، با مسئله ولایت و خلافت دارای ارتباط است.

۳- تحلیل محتوای کمی و کیفی سوره مائده

در این سوره موضوعات متنوعی دیده می‌شود که ارتباط بین این موضوعات، بدون توجه به غرض سوره و هدف آن، امری دشوار است. برخی از مفسرانی که غرض سوره را مورد توجه قرار داده‌اند بر این باورند که غرض جامع از این سوره، دعوت به وفای به عهدها است.^۵

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۱۵/۱۵۲؛ شرف الدین، عبدالحسین، الموسوعة القرآنیة، ۲/۳۱۹.

۲. سیوطی، عبدالرحمن، الاشباه والنظائر، ۶/۲۳۹.

۳. ابن سعد، محمد، همان، ۲/۱۹۱؛ حلبی، علی، السیرة الحلبیة، ۳/۲۳۰.

۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۱/۲۳۵.

۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۵/۲۷۵؛ رشید رضا، محمد، المنار، ۵/۱۱۸؛ شرف الدین، عبدالحسین، همان، ۲/۲۲۰؛ سید قطب، ابراهیم بن حسین، فی ظلال القرآن، ۲/۹۱۰.

اگرچه موضوع الزام و پابندی به میثاق، بی تردید جزء اهداف این سوره است، ولی نمی‌توان تنها با عنوان عقد و میثاق، بین موضوعات مطرح شده در این سوره همچون ازدواج با زنان اهل کتاب، حلیت طیبات، و وضو، ارتباط برقرار کرد. بنابراین در این میان، حلقه مفقوده دیگری وجود دارد که باید آن را یافت.

در تفسیر ساختاری، یکی از مقدمات، ارائه محتوای سوره به شکل دسته‌بندی شده در قالب جدول یا نمودار درختی است. یکی از روش‌های مهم شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات که با توجه به موضوع، شرایط و اهداف تحقیقات علوم انسانی، دارای کارکردهای متعدد و متنوعی بوده و نتایج آن قابلیت اثبات دارد، روش تحلیل محتوای مضمونی است. از قابلیت‌های این روش، امکان اعتبارسنجی آن توسط محققان دیگر و در نتیجه اثبات نتایج است.^۱

این روش در واقع فن پژوهشی عینی، اصولی و کمی به منظور تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا عبارت است از: قراردادن اجزای یک متن - از کلمات، عبارات و پارگراف‌ها - در واحدهایی که انتخاب می‌شود و در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند.^۲ تحلیل محتوا دارای روش‌های مختلفی است که در این پژوهش، از روش تحلیل محتوای مضمونی کیفی و کمی استفاده می‌شود. در این روش با تأکید بر کلیدواژگان اصلی و فرعی، مضامین و نقاط تمرکز و جهت‌گیری‌های سخن، بر اساس جدول‌ها استخراج می‌شود؛ به عبارت دیگر، ابتدا واژگان کلیدی سوره، مفاهیم اولیه تشکیل دهنده متن و نقاط تمرکز متن استخراج می‌شود و پس از استخراج محتوای کامل سوره، اطلاعات آماری از موضوعات اصلی، در قالب نمودار فراهم می‌شود تا در نتیجه آن، فضای کلی حاکم بر سوره و غرض سوره شناسایی شود.

در این قسمت، جدول تحلیل محتوای شش آیه از سوره مائده، جهت نمونه ذکر می‌شود؛ بقیه تحلیل‌های صورت‌گرفته، دارای نتایج مشابه است که به خاطر جلوگیری از اطاله مقاله، از ارائه جدول‌های دیگر، اجتناب می‌شود؛ ولی نتایج فرایند انجام شده، در قالب نمودار ارائه خواهد شد:

۱. جانی‌پور، محمد، «رهاوردهای استفاده از روش "تحلیل محتوا کمی" در فهم احادیث»،

پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۲/ ۲۷ - ۵۸.

۲. باردن، لوئیس، تحلیل محتوا، ص ۲۹.

موضوع فرعی	موضوع اصلی	کلیدواژگان	مخاطب مستقیم یا غیر مستقیم	متن آیه
حرمت برخی گوشت‌ها و حلیت آن در حال اضطرار - اكمال دين و اتمام نعمت	لزوم پابندى به احكام شرعى	میته - اكمال الدين - اتمام نعمت - ازالام - خشیت - رضایت - دين - اسلام	مؤمنان	﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَمْثِلَةُ الدَّامِ وَ لَحْمُ الْخِزْرِ وَ مَا أَهْلُ الْبَيْتِ لِلَّهِ بِهِ وَ الْمَخْخِيقَةُ وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمَرْزُوقَةُ وَ الطَّيْحَةُ وَ مَا كَانَ لِلسَّبْعِ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْوَاجِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ نَبِّئُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْنَ الْوَاضُونَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَمْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بَعَثِي لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا قَمِنَ اضْطَرَّ فِي مَخْصَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِآيَةٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۳)
حلیت غذاهای طیب - لزوم خوردن غذای پاک - تقوا	لزوم پابندى به احكام شرعى	طیبات - حلیت - آكل - تقوا - ذكر الله	رسول خدا ﷺ	﴿سَمِعْتُمْ اللَّهَ يَدْعُوا إِلَى الصَّلَاةِ فَاسْتَجِبُوا وَ حُجَّجْتُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ اسْمَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكُفَّيْنِ وَ إِنْ كُنْتُمْ حُجُبًا فَأَظْهَرُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرَضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُظْهِرَكُمْ فِي الْبَيِّنَاتِ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (۶)
شکرگزاری - تقوا - اطاعت	لزوم پابندى به ميثاق	غسل - تیمم - مسح - غائط - لمس النساء - صعيد طيب - حرج - طهارت - اتمام نعمت - شكر نعمت - ميثاق - اطاعت - تقوا - علم خداوند	مؤمنان	﴿وَ إِذْ كُرِّرْنَا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقْتُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطعنا وَ اتَّقوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (۷)
نعمت خاص بر بنی اسرائیل	نعمت هدايت توسط انبيا	نعمت - ملوك - انبيا - تذكر	اهل كتاب	﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ يَقَوْمِ أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَ آتَاكُمْ مِمَّا تَشَاءُونَ قَالُوا نَبِيُّ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ (۲۰)
تبعیت، نتیجه نعمت خوف خدا است.	فرجام تبعیت رستگاری است.	نعمت - غلب - توکل خوف	اهل كتاب	﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِذْ خَلَا هُمَا فِي الْبَابِ فَأَدَّآ دَخَلَتْهُمَا فَايَأْتِيَهُمَا فَنَظَرَا فِي الْبُيُوتِ وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلَا إِنَّ كُنْتُمْ مَوْجِبِينَ﴾ (۲۳)

بررسی واژگان کلیدی سوره مائده نشان می‌دهد که واژگان پرکاربرد یا مؤلفه‌های معنایی این سوره، در سه موضوع قابل شناسایی هستند؛ خداوند در این سوره - با توجه به دقت معنایی که در قرآن کریم وجود دارد - برای اشاره به موضوعات مهم، از واژگان مختلفی استفاده کرده است که در سه حوزه، قابل تفکیک هستند:

۳-۱- نعمت‌ها

نعمت آن چیزی است که خداوند برای رشد زندگی انسان، به او می‌بخشد.^۱ در قرآن کریم نعمت‌ها به دو نوع ظاهری و باطنی تقسیم می‌شوند.^۲ در این سوره کلمات متعددی دقیقاً یا تلویحاً به مسئله نعمات اشاره می‌کند. نعمت، کلمه‌ای است که بارها در این سوره تکرار شده است.

کلماتی که به مفهوم نعمت در سوره مائده اشاره می‌کنند به قرار ذیل می‌باشند:

نعمت: ده مرتبه؛ طیب (همسریا غذای پاک): پنج مرتبه؛ خوراکی یا صید (حلال): هفت مرتبه؛ صید: شش مرتبه؛ رزق: سه مرتبه؛ حظ: دو مرتبه؛ مائده: دو مرتبه؛ فعل اکل (که مربوط به بهره‌برداری از نعمات است): نه مرتبه. این کلمات مربوط به نعمات مادی است، ولی روشن است که از منظر قرآن کریم به ویژه سوره مائده، مفهوم نعمت در قرآن کریم اعم از نعمات مادی و معنوی است؛ مثلاً خداوند در این سوره هدایت، نبوت، امنیت و حاکم عادل را نعمت معرفی می‌کند:

هدایت: «قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا»؛^۳ نبوت: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ»؛^۴ امنیت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ»؛^۵ حاکم عادل: «يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا».^۶

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ۴۴۶/۵.

۲. لقمان: ۲۰.

۳. مائده: ۲۳.

۴. مائده: ۱۱۰.

۵. مائده: ۱۱.

۶. مائده: ۲۰.

اگرچه خداوند به نعمات حسی از جمله خوراکی‌ها و همسر اشاره می‌کند، ولی نعمات معنوی مانند طهارت، هدایت و امنیت را نیز متذکر می‌شود و به خاطر آن بر انسان منت می‌نهد.^۱ بنابراین با احتساب نعمات معنوی، تعداد کلیدواژگان دلالت‌کننده بر نعمات، افزایش می‌یابد؛ به عنوان نمونه هدایت ۱۳ مرتبه و طهارت ۱۲ مرتبه وارد شده است. در مجموع کلیدواژگان دال بر نعمت، بیش از ۷۶ بار در این سوره به کار رفته است.

۳-۲- حاکم

همان‌طور که بافت موقعیتی این سوره نشان می‌دهد، بی‌تردید یکی از موضوعات محوری این سوره مسئله حاکمیت و ویژگی‌های حاکم و وظیفه مردم در برابر حاکم است. کلیدواژگانی که به این مسئله اشاره می‌کنند عبارت‌اند از:

ملک؛ نه مرتبه؛ تبعیت؛ چهار مرتبه؛ حکم؛ نوزده مرتبه؛ امر؛ سه مرتبه؛ ولی؛ یازده مرتبه؛ قدرت؛ پنج مرتبه؛ تاسی؛ دو مرتبه؛ شریعت و منهاج؛ یک مرتبه.

در مجموع کلیدواژگان دال بر حاکمیت، حدود ۵۴ مرتبه در این سوره به کار رفته است. کاربرد این کلیدواژگان و دقت در محتوای سوره مائده، نشانگر آن است که خداوند در این سوره، ویژگی‌های حاکم و وظایف مردم در برابر حاکم را تبیین کرده است.

در سوره مائده خداوند به برخی از ویژگی‌های ضروری یک حاکم اشاره می‌کند، ولی این به معنای ذکر همه ویژگی‌ها و شرایط نیست؛ چه بسا در دوره‌های زمانی، و جوامع و مکان‌های مختلف ویژگی‌های دیگری نیز نیاز باشد. البته شرایط مذکور شرایطی است که اگر حاکمی حائز آنها نباشد، از نظر شارع صلاحیت حکمرانی را ندارد.

۱. حلال بودن غذاهای پاک: آیه ۴؛ حلال بودن ازدواج با زنان پاک‌دامن: آیه ۵؛ احکام الهی که سبب پاکی و طهارت انسان است؛ مانند وضو: آیه ۶؛ نعمت امنیت: آیه ۱۱؛ نعمت هدایت و رهبر صالح: آیه ۱۲؛ نعمت علم و نبوت: آیه ۱۵؛ نعمت احکام شرعی به صورت کلی: آیه ۵۰؛ و ...

همواره یکی از پرسش‌های شیعیان در مجادلات کلامی این بوده که اگر واقعاً برخی آیات این سوره دربارهٔ اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است، چرا خداوند به صورت صریح نام حضرت علی علیه السلام را ذکر نکرده است؟ در پاسخ به این پرسش، پاسخ‌هایی از جانب دانشمندان شیعه ارائه شده است؛ به نمونه‌هایی از این پاسخ‌ها در ادامه اشاره می‌کنیم:

خطر تحریف؛ اگر نام امیرمؤمنان علیه السلام در قرآن ذکر می‌شد، معاندان وی اقدام به تحریف قرآن می‌کردند.^۱

وقوع تحریف؛ برخی اخباریان بر اساس برخی نصوص برای این باورند که نام امیرمؤمنان علیه السلام در قرآن ذکر شده بود، ولی از آن حذف شده است.^۲

وجود حدیث غدیر؛ برخی نیز گفته‌اند که خداوند حدیث غدیر را مبین اجمال این آیات قرار داده است.^۳

• پاسخ مؤلف

پاسخ دیگری که با توجه به نوع بیان قرآنی در آیات و موضوعات دیگر و با توجه به ساختار این سوره می‌توان ارائه کرد آن است که خداوند نام امیرالمؤمنین علیه السلام را ذکر نکرده است؛ چراکه هدف، ذکر نام نبوده است، بلکه هدف، بیان ملاک‌هایی بوده که به واسطهٔ آن بتوان در هر زمان و مکانی، حاکم شایسته را انتخاب کرد. برخی از این ملاک‌ها و ویژگی‌ها در ادامه ذکر خواهد شد:

✓ انتصاب از طرف خداوند

مهم‌ترین ویژگی حاکم این است که از جانب خداوند مشخص شده باشد و مؤید به تأییدات ربانی باشد: ﴿إِذْ جَعَلْنَا فِيكُمْ رُسُلًا وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُمُ الْغَابِطِينَ﴾^۴ فاعل جعل در آیه،

۱. میلانی، علی، نگاهی به آیه ولایت، ص ۶۰.

۲. فیض کاشانی، محمد محسن، الصافی، ۴۹/۱: «وإنه قد حذف عنه أشياء كثيرة منها اسم علي علیه السلام في كثير من المواضع».

۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۹۳/۳.

۴. مانند: ۲۰.

خداوند است و او در این آیه شریفه، تعیین حاکم را به خود نسبت می دهد. ولی اگر چنین شرایطی مهیا نبود، بی تردید باید از ملاک های ثانوی شرعی که شارع خود مشخص کرده است، این امر تحقق یابد.^۱ علمای اهل سنت در کتب خود تصریح می کنند که خلیفه نخست، مشروعیت خلافت خود را از خداوند و یا از طریق موازین شرعی کسب نکرده بود.^۲

۷ تقوا و خداترسی

ایمان به خدا و ترس از او شرط کمال انسان است. اگر کسی تقوا نداشته باشد، چگونه می توان او را امین بر جان و مال مردم دانست. بنابراین حاکم اسلامی باید خود در بالاترین مرحله تقوا قرار داشته باشد. وقتی حاکمی مرتکب ظلم و غصب و... شود، نمی توان وی را متقی دانست.^۳ همان طور که در این سوره اشاره شده است، هابیل به قابیل می گوید: «لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۴.

۷ قدرت استنباط احکام فقهی

مهم ترین ویژگی یک حاکم آن است که بتواند بر اساس حکم الهی، یعنی قرآن و سنت رسول اکرم ﷺ حکم کند. خداوند در سوره مائده چندین بار - در آیاتی

۱. اراکی، محسن، نظریه الحکم فی الاسلام، ص ۶۳.

۲. نووی شارح صحیح مسلم، در رد وجود نص بر خلافت ابوبکر متذکر شده است: «ابوبکر و همراه او در سقیفه، یعنی عمر، در تقویت خلافت ابوبکر به اصل نص، استناد نکردند. ابوبکر نهایت در سقیفه به روایت مطلق نبوی «الأئمة من قریب»^۱، در برابر انصار استناد کرد» (مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ۳۰۸/۲؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۶۱۹/۲؛ دینوری، ابن قتیبه، الامامة والسیاسة، ۱۸/۱؛ ابن عبدالبر، عقد الفرید، ۲۵۴/۲؛ تهرانی، محمدحسین، امام شناسی، ۲۵۲/۱، به نقل از: امینی، عبدالحسین، الغدیر، ۱۷۰/۷ - ۱۷۱؛ مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، ۱۲۴/۳۰). روشن است که اگر درباره ابوبکر از سوی پیامبر ﷺ نصی وارد شده بود، وی و حامیانش در سقیفه، آن را به عنوان دلیل ذکر می کردند.

۳. خوانساری، احمد، جامع المدارک، ۵۲/۳؛ شهرستانی، علی، منع تدوین الحدیث، ۴۱۶/۲؛ متقی هندی، علی، کنز العمال، ۴۷۳/۶.

۴. مائده: ۲۸.

مانند: ۴۲، ۵۰، ۹۵ و ۱۱۰ - به این موضوع اشاره کرده است. حاکم از ریشه حکم گرفته شده است؛ یعنی کسی که توانمندی حکم دادن را دارد. در سوره مائده بیشترین تأکید برای تشخیص حاکم واقعی، همین ویژگی است. مهم ترین مسئله ای که در سده نخست هجری بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کرد، همین مسئله بود؛ زیرا ابوبکر و عمرو و عثمان، بر اساس رأی حکم می دادند،^۱ ولی امامان شیعه این نوع قضاوت را درست نمی دانستند و بر این باور بودند که حکم باید بر اساس قرآن و سنت باشد. نمونه های زیادی از قضاوت های نادرست ابوبکر و عمرو و عثمان، در جوامع حدیثی سنی و شیعه موجود است.^۲ در مقابل، حضرت علی علیه السلام علم دقیق به احکام شرعی داشت و کتابی نوشت که حتی دیه خراش هم در آن ثبت بود.^۳

✓ استقلال و دشمن شناسی

حاکم مستقل و متکی به قدرت خداوند، در چالش ها و مشکلات حکومتی با تکیه بر قدرت الهی می تواند جامعه را اداره کند. «لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ... أَوْثُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ»؛^۴ مراجعه به کفار، به عنوان شاخص عدم صلاحیت یک حاکم ارائه می شود. «لَا يَجُزُّنَكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ»؛^۵ خداوند یهودیان و مشرکان را بزرگ ترین دشمن مسلمانان می داند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ». ^۶ بنابراین حاکم جامعه اسلامی، باید در برابر یهودیان و مشرکان و توطئه آنان هوشیار باشد و به آنان وابسته نباشد. خداوند، برخی مسلمانان را به خاطر مراجعه به اهل کتاب

۱. ابن شهبه، عمر، تاریخ المدینه، ۶۶۲/۲: «ثُمَّ دَعَا أَبُو بَكْرٍ عُمَرَ خَالِيًا فَأَوْصَاهُ، ثُمَّ خَرَجَ، فَرَفَعَ أَبُو بَكْرٍ يَدَيْهِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي لَمْ أُرِدْ بِدَلِيكَ إِلَّا صَلَاحَهُمْ، وَخَفْتُ عَلَيْهِمُ الْفِتْنَةَ، وَاجْتَهَدْتُ لَهُمْ رَأْيِي، فَوَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ خَيْرَهُمْ، وَأَحْرَضْتُهُمْ عَلَى مَا أَرَشَدْتُهُمْ، وَقَدْ حَضَرْتَنِي مِنْ أَمْرِكَ مَا حَضَرَ، فَأَخْلَفْتَنِي فِيهِمْ فَهَمَّ عِبَادُكَ».

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ۶۳۹/۱؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۴۱۶/۳.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۵۹۴/۱: «وَحَطَّ عَلَيَّ عليه السلام بِيَمِينِهِ، فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَحَرَامٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْحَدْسِ».

۴. مائده: ۵۷.

۵. مائده: ۱۷۶.

۶. مائده: ۸۲.

سرزنش می‌کند: ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾^۱!

از نظر سوره مائده، مراجعه به یهود که دشمنان درجه یک مسلمانان هستند، نقض شرایط یک رهبر است. این در حالی است که گزارش‌های تاریخی حکایت از ارتباط خلفای سه‌گانه به ویژه عمر بن خطاب با یهودیان دارد؛ به عنوان مثال مشاور اعظم وی، کعب الاحبار بود.^۲ خلیفه دوم با مشورت کعب الاحبار، مسلمانان را از کتابت حدیث منع کرد و صحیفه‌های حدیثی را سوزاند. وی هم چنین با قرارداد دادن احبار یهود در مساجد برای قصه‌گویی، باعث ورود اسرائیلیات و خرافات یهودی به تفسیر و اعتقادات مسلمانان شد.^۳ این در حالی است که هیچ گزارشی از ارتباط امیرالمؤمنین علیه السلام با یهودیان و تأثیرپذیری ایشان از آنان وجود ندارد. یکی از اقدامات اولیه حضرت علی علیه السلام در دوران حکومتش، اخراج قصه‌گوها از مسجد بود.^۴

✓ سعه صدر

سعه صدر و قدرت تحمل دیدگاه‌های دیگران، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک رهبر است تا بتواند افکار مختلف را تحمل کند و مردم نیز بتوانند با افکار و سلاطین

۱. مائده: ۵۰.

۲. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی، ۱۳۳/۱۵: «ولا ندري لماذا يلتجئ عمر بن الخطاب في هذا الأمر الخطير جداً إلى كعب الأحمبار؟! وهل أصبح هذا الرجل موثقاً عنده إلى هذا الحد؟! وبأي شيء استطاع أن يحصل على هذه الوثيقة عنده؟!»

۳. اسماء ابوبکر، محمد، شخصیه عمر بن خطاب من خلال التفسیر المأثور، ص ۴۵: «وكان تميم الداري، الذي هوفي نظر عمر بن الخطاب خيراً أهل المدينة قد طلب من الخليفة الثاني أن يقص، فسمح له، فكان يقص في مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كل جمعة. فاستزاده يوماً آخر فزاده. فلما تولى عثمان زاده يوماً آخر أيضاً و كان عمر بن الخطاب يجلس إليه بنفسه، و يستمع إلى قصصه.»

۴. متقی هندی، علی، کنز العمال، ۲۸۱/۱۰: «ان علي بن ابي طالب عليه السلام دخل المسجد فإذا بصوت قاص فلما رآه سكت قال علي عليه السلام: من هذا؟ قال القاص: أنا. فقال علي عليه السلام: أما إني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: سيكون بعدي قصاص لا ينظر الله إليهم؛» روایت دیگر: «دخل علي بن ابي طالب عليه السلام المسجد فإذا رجل يخوف فقال: ما هذا؟ فقالوا: رجل يذكر الناس، فقال: ليس برجل يذكر الناس ولكنه يقول: أنا فلان ابن فلان اعرفوني فأرسل إليه فقال: أتعرف الناس من المنسوخ؟ فقال: لا. قال: فأخرج من مسجدنا ولا تذكر فيه.»

مختلف، در یک جامعه زندگی کنند: «وَلَا تَزَالُ تَطَّلُعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛^۱ در حالی که به شهادت تاریخ، عمر بن خطاب، فردی بسیار خشن و تندخو بود؛ تا آن جا که هیچ کس جرأت مخالفت در برابر رفتارهای خطای وی را نداشت. او حتی برخی از محدثان نامدار را حبس کرده بود.^۲ در مقابل، امام علی علیه السلام در موقعیت های مختلف، با مخالفان خود با مدارا رفتار می کرد؛ این مسئله در آزادگذاشتن طلحه و زبیر در خروج از مدینه، با اطلاع از قصد فتنه گری ایشان، آشکار می شود.^۳

✓ قدرت بر اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی

از ویژگی های مهم برای حاکم اسلامی، توانمندی در توسعه اقتصادی و فرهنگی، و بهبود وضعیت معیشت و فرهنگ مردم است؛ این مهم با توزیع ثروت از طریق خمس، زکات و... در جامعه قابل تحقق است. رهبر یک جامعه باید قدرت و توانایی اجرایی کردن اهداف و آرمان های اسلامی مانند عدالت اقتصادی، اجتماعی و... را داشته باشد؛^۴ خداوند می فرماید: «وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».^۵ بنابراین اداره امور اقتصادی و اجتماعی توسط حاکم، بایستی بر اساس عدالت باشد.

رعایت عدالت اجتماعی و اقتصادی، یکی از ملاک های تشخیص حاکم شایسته است؛ بر همین اساس، یکی از دلایل اعتراض به عثمان، تغییر نظام تقسیم بیت المال بر اساس مفاضله در زمان عمر بن خطاب،^۶ و بذل و بخشش های

۱. مائده: ۱۳.

۲. سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان، ۵۹۷/۱: «وَأَخْرَجَ الدَّارِمِي فِي مَسْنَدِهِ، عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ يَسَازٍ: أَنَّ رَجُلًا يُقَالُ لَهُ: صَبِيغٌ، قَدِمَ الْمَدِينَةَ، فَجَعَلَ يَسْأَلُ عَنِ مِثْلِ سَابِقِ الْقُرْآنِ، فَأُرْسِلَ إِلَيْهِ عَمْرٌ، وَقَدْ أَعَدَّ عَمْرٌ عَرَجُونَاً مِنْ تِلْكَ الْعَرَجِجِينَ، فَضْرَبَهُ حَتَّى دَمِيَ رَأْسَهُ».

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۴/۴۴۵: «اسْتَأْذَنَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرُ عَلَيَّ فِي الْعُمْرَةِ، فَأَذِنَ لَهُمَا، فَلَحِقَا بِمَكَّةَ، وَأَحَبَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ أَنْ يَعْلَمُوا مَا رَأَى عَلِيٌّ فِي مُعَاوِيَةَ وَأَنْتِقَاضِهِ».

۴. حسن جابر، «وظيفة القيادة في الاسلام»، منطلق، ۱۰۶/۷۰-۱۳۸.

۵. مائده: ۴۲.

۶. جاسم صكبان، علی، «العتاء والرذق في صدر الاسلام»، البنات للتربية، ۲۰/۵۳۷-۵۵۶.

زیاد وی از بیت المال به خویشاوندان اموی خویش بود.^۱ درحالی که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در ابتدای خلافت فرمود که اموال غصبی را، اگرچه در کابین زنان باشد، به بیت المال برمی گرداند.^۲

خداوند در سوره مائده، هم چنین رهبران اهل کتاب را به خاطر نهي نکردن امتشان از اكل مال حرام سرزنش می کند: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۳.

از آن چه گفته شد، ویژگی های حاکم شایسته از منظر قرآن کریم روشن شد. تطبیق این ویژگی ها برگزاه های روایی، مصداق حقیقی حاکم شایسته را روشن می کند.

۳-۳- نهی از پیمان شکنی

سومین بخش از کلیدواژگان، مربوط به میثاق و پیمان می شود؛ برخی از این واژگان عبارت اند از: میثاق؛ شش مرتبه؛ شاهد؛ دوازده مرتبه؛ عقد؛ دو مرتبه؛ ایمان؛ هفت مرتبه؛ قسط؛ سه مرتبه؛ عدالت؛ پنج مرتبه؛ قسم؛ چهار مرتبه؛ حفظ ایمان - حلف؛ یک مرتبه. در مقابل عمل به پیمان، کلمات ارتداد؛ سه مرتبه، و نقض؛ یک مرتبه، به کار رفته است. در مجموع، کلیدواژگان دال بر مفهوم پیمان و میثاق، حدود ۴۳ مرتبه در سوره مائده به کار رفته است.

وظایف مردم در برابر نعمت حاکم شایسته، از دقت در برخی آیات سوره مائده به دست می آید. از جمله این وظایف می توان به تقوا، وفای به عهد، تبعیت از احکام شرعی، شکر نعمت، تبعیت از حاکم، عدم غلو، پرهیز از تکبر، عدم حسادت و

۱. ابن شهبه، عمر، تاریخ المدینه، ۱۱۳۲/۳؛ یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ۱۷۱/۲.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، جلوۀ تاریخ در نهج البلاغہ، ترجمۀ دامغانی، ص ۱۳۰: «وَاللّٰهُ لَوَّ وَجَدْتُهُ قَدْ تَرْتَّبَ بِهٖ النَّسَاءُ وَ مُلْكٌ بِهٖ الْاِمَاءُ لَرَدَّدْتُهُ فَاِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مِنْ صَاقٍ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ اَضْبَقُ».

۳. مائده: ۶۳.

باقر (علیه السلام) ذیل آیه «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^۱ فرمود: «به خدا سوگند، در قیامت از شما درباره ولایت ما اهل بیت سؤال می‌کنند»^۲.

تعیین عناوین اصلی و فرعی در سوره مائده نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوعات طرح شده در این سوره، مسئله بیان نعمت ولایت برای مسلمانان است؛ با نزول آیه تبلیغ،^۳ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مأمور می‌شود امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به عنوان ولی معرفی فرماید. از منظر خداوند این خبر مهم‌تر از سایر خبرهایی است که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل کرده است؛ به طوری که می‌فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». این جمله که به صورت جمله شرطیه به کار رفته، نوعی تهدید است؛ به این معنا که اگر امر پروردگار به مردم ابلاغ نشود و به آنها نرسد و حق آن رعایت نشود، گویا حق هیچ جزئی از اجزای دین مراعات نشده است.

با توجه به آیه تبلیغ، رهبری امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن قدر مهم است که عدم ابلاغ و اعلام آن، به منزله این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسالت خود را انجام نداده است: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». این ابلاغ چه موضوع مهمی است که هم وزن و هم سنگ رسالت نبوی قرار گرفته است؟ این ابلاغ و اعلام ولایت علوی است که سبب «اکمال دین» شده است!

بر اساس آیه اکمال،^۴ مقصود از «اکمال دین و اتمام نعمت»، کامل شدن ارکان دین توسط ولایت و امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ زیرا با ادامه نبوت و از طریق امامت است که دین به قلّه کمال خود خواهد رسید.

نصب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامت و ولایت، اتمام نعمت است و رها کردن ولایت او، کفران و ناسپاسی نعمت است که عواقب بدی را به دنبال دارد؛ خداوند می‌فرماید: «فَكَفَرْتَ بِاتِّعَامِ اللَّهِ فَادِّقْهَا اللَّهُ لِيَبْسُ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۵.

۱. تکوین: ۸.

۲. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، ۴۷۷/۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۵۸/۲۴.

۳. مائده: ۶۷.

۴. مائده: ۳.

۵. نحل: ۱۱۲.

مهم‌ترین وظیفهٔ هر بنده در قبال نعمت‌های الهی، شکر نعمت است و هر چه نعمتی بزرگ‌تر باشد، شکر بیشتری بر آن لازم می‌آید. مرحوم فیض کاشانی می‌فرماید:

شکرگزاری سه رکن دارد: اول؛ «علم» که به دو شاخهٔ علم به نعمت و علم به منعم تقسیم می‌شود. دوم؛ «حال» که به معنای شادمانی بر دریافت نعمت است. سوم؛ «عمل» که عبارت است از به‌کارگیری نعمت در جهت خواست منعم^۱.

بر اساس این تعریف، شکر نعمت ولایت، شناخت این نعمت، شادمانی بر دریافت آن، و عمل بر اساس خواسته‌های خدا دربارهٔ امام است؛ برخی از این خواسته‌ها و فرامین الهی عبارت‌اند از:

۱. اطاعت از والیان امر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲.

۲. عدم پذیرش ولایت کفار و اهل کتاب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ»^۳.

۳. یادآوری نعمت ولایت: «وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَبْعًا وَاطَّعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»^۴.

نکاتی که در این زمینه از آیهٔ هفتم سورهٔ مائده استفاده می‌شود به قرار ذیل می‌باشد:

۱. خداوند متعال در ابتدای این آیه، دو دستور داده است: اول؛ «وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ». دوم؛ «وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ».

۲. یاد نعمت‌های الهی لازم است؛ چراکه «وَأذْكُرُوا» فعل امر است و دلالت بر وجوب می‌کند.

۳. گرچه موضوع یاد نعمت و رعایت میثاق مطرح شده در آیه، یک هشدار کلی

۱. فیض کاشانی، محمد محسن، مَحَجَّةُ الْبَيْضَاءِ، ۴/۱۴۴.

۲. مائده: ۹۲.

۳. مائده: ۵۲.

۴. مائده: ۷.

و عمومی است، ولی ممکن است به دلایل ذیل، مسئله رهبری جامعه اسلامی و اطاعت از او مراد باشد:

○ رهبری الهی، عهد و میثاق خدایی است؛ داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و درخواست امامت برای نسل خویش و پاسخ خدا که ظالمان به عهد من (امامت) نمی‌رسند، گواه بر این مطلب است.^۱

○ پس از تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت در غدیر خم، آیه سوره مائده نازل شد که امروز نعمتم را بر شما تمام کردم: «وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي».^۲ در روایات، مقصود از نعمت، امام معرفی شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «مراد از نعمت، ما (اهل بیت) هستیم».^۳

○ مردم در غدیر خم با امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بیعت کردند و سمعاً و طاعةً گفتند؛ این آیه بار دیگر مردم را به وفاداری و پایداری نسبت به رهبری فرامی‌خواند.

۴. تأکید این آیه بر مفاهیمی چون نعمت، میثاق، اطاعت و علم به راز دل‌ها، آن هم پس از آیه اکمال، می‌تواند اشاره به فراموشی محتوای آیه اکمال و تخلف از خط غدیر باشد.^۴

۵. بین نعمت و عمل به میثاق و عهد، ارتباط مستقیم وجود دارد.

در نموداری که خواهد آمد، فراوانی کلیدواژگانی که دلالت بر مفهوم نعمت، میثاق و سایر مفاهیم کلیدی دارند، بررسی می‌شود. تحلیل محتوای کمی نشان می‌دهد که غرض سوره در ارتباط با نعمت، و مسئولیتی که به دنبال آن متوجه انسان می‌شود، است.

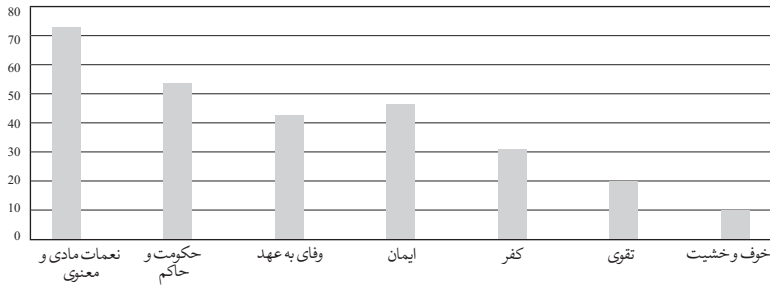
۱. اشاره به آیه ۱۲۴ سوره بقره: «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ».

۲. مائده: ۳.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۱۰/۸۱۳.

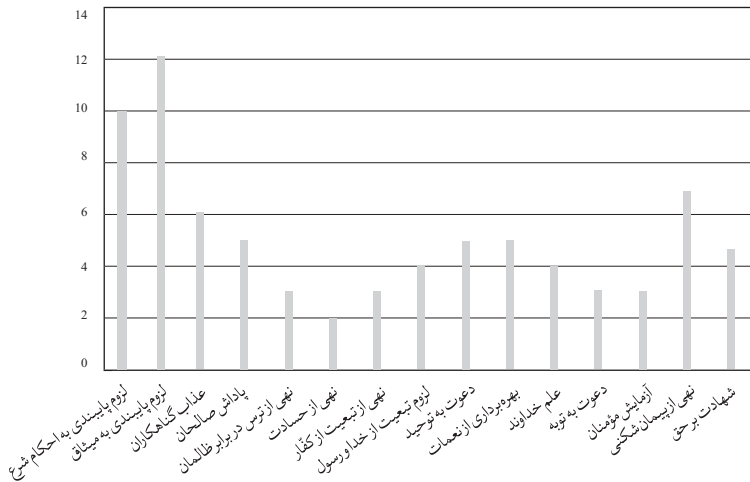
۴. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ۳/۳۹.

فراوانی کاربرد کلیدواژگان



نمودار زیر نشان دهنده محورهای اصلی موضوعات سوره مائده است که بیشترین موضوع در آن، مربوط به حاکمیت و لزوم وفای به میثاق است. تکرار و حجم این موضوع در سوره مائده، با استفاده از روش تحلیل محتوا، مبین غرض متن است:

فراوانی محورهای اصلی سوره مائده



۵- غرض سوره و نقش آن در حل مشکل تفسیری در آیه اکمال

در مورد این که آیا روش تفسیر ساختاری به مثابه یک روش تفسیری، قابلیت استناد دارد یا خیر، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. پژوهش فعلی مبتنی بر این پیش فرض

است که تفسیر ساختاری، یک روش تفسیری است که می‌تواند منجر به برداشت و فهم جدید از آیات و یا انتخاب وجهی از وجوه تفسیری شود.^۱ این روش بر نظریه وحدت موضوعی در سوره بنا شده است.^۲ در روش تفسیر ساختاری، هدفی در سوره وجود دارد که آن هدف بر آیات سایه افکننده و آیات، با الفاظ و اشکال متفاوت، در راستای تبیین آن هدف می‌باشند.

۵-۱- سیاق آیه سوم و طرح دیدگاه‌های مفسران شیعی

یکی از آیاتی که متکلمان شیعه، در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بدان استناد می‌کنند، آیه سوم سوره مائده است؛ ولی عبارتی که بدان استناد می‌شود، با سیاق عبارت پیشین و پسین سازگار نیست:

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

همان‌طور که دیده می‌شود، عبارت قبل از عبارت مورد استناد متکلمان، درباره گوشت‌های حرام، و عبارت پس از آن، درباره برداشته شدن حکم حرمت خوردن این گوشت‌ها در حال اضطرار است. برای حل این معضل تفسیری راهکارهای مختلفی از جانب مفسران و متکلمان شیعه ارائه شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم:

اول: در تفاسیر متقدم، مفسران اغلب این آیه را جمله معترضه می‌دانند.^۳ برخی این

۱. حسینی، بی‌بی زینب، «جایگاه روش تفسیر ساختاری در فهم قرآن»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۱/ ۱۳۳- ۱۵۲.

۲. ایازی، محمدعلی، چهره پیوسته قرآن، ص ۱۶.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۳/ ۲۴۱: «ثم قال: رضيت لكم الحال التي اُتم عليها اليوم فالزموها ولا تفارقوها ثم عاد الكلام إلى القضية المتقدمة في التحريم والتحليل»؛

مسئله را ناشی از اجتهادی بودن ترتیب سور و آیات می دانند. علامه طباطبایی، ضمن اعتقاد داشتن به معترضه بودن این عبارت، برخلاف مبنای همیشگی اش یعنی حجیت سیاق، روایتی را بیان می کند که با ترتیب اجتهادی آیات سازگار است.^۱ البته بعضی از مفسران این نوع ترتیب را به امر رسول خدا ﷺ می دانند.^۲

دوم: برخی بر این باورند که دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام در ترتیب این آیه دست برده اند و جمله «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا» و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»، مربوط به این آیه نیست و بعد از آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در روز هجدهم ذی الحجه (روز غدیر) نازل شده است.^۳

سوم: برخی معتقدند در این آیه از اسلوب قطع استفاده شده است؛ یعنی خداوند ابتدا درباره گوشت ها سخن گفته، سپس کلام را قطع کرده و در مورد اكمال دین سخن گفته و مجدد کلام را از سر گرفته و به مسئله گوشت ها پرداخته است. فرق این اسلوب با جمله معترضه آن است که جمله معترضه معمولاً به مقتضیات

قمی مشهدی، محمد، کنز الدقائق، ۳۷/۴: «فَمَنْ اضْطُرَّ: متصل بذكر المحرمات، وما بينهما اعتراض، والمعنى: فمن اضطرَّ إلى تناول شيء من هذه المحرمات»؛ اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ۶۱۱/۱: «ما بین که جمله «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا» است تا آخر جمله معترضه است».

۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۱۶۷/۵: «کلام معترض موضوع في وسط هذه الآية غير متوقف عليه لفظ الآية في دلالتها وبيانها، سواء قلنا: إن الآية نازلة في وسط الآية فتخللت بينها من أول ما نزلت، أو قلنا إن النبي ﷺ هو الذي أمر كتاب الوحي بوضع الآية في هذا الموضع مع انفصال الآيتين واختلافهما نزولاً. أو قلنا: إنها موضوعة في موضعها الذي هي فيه عند التأليف من غير أن تصاحبها نزولاً، فإن شيئاً من هذه الاحتمالات لا يؤثر أثراً فيما ذكرناه من كون هذا الكلام المتخلل معترضاً إذا قيس إلى صدر الآية وذيولها. ويؤيد ذلك أن جل الروايات الواردة في سبب النزول - لولم يكن كلها، وهي أخبار حجة - يخص قوله: «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (إلخ) بالذكر من غير أن يتعرض لأصل الآية أعني قوله: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ»، أصلاً، وهذا يؤيد أيضاً نزول قوله: «الْيَوْمَ يَبْسُ» (إلخ) نزولاً مستقلاً منفصلاً عن الصدر والذيل، وإن وقوع الآية في وسط الآية مستند إلى تأليف النبي ﷺ أو إلى تأليف المؤلفين بعده».

۲. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ۴۸/۸.

۳. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، ۲۹۵/۴.

حال متکلم و مخاطب برمی‌گردد، ولی در اسلوب قطع، قصد متکلم قطع کلام و طرح موضوع جدید است.^۱

چهارم: برخی از مفسران معاصر نیز تلاش کرده‌اند که بین عبارت «الیوم...» با عبارات پیشین یا پسین، ارتباطی برقرار کنند؛ آنها مسئله اضطرار در خوردن گوشت حرام را تشبیه به اضطرار در پذیرفتن حکومت حاکم غیر شایسته کرده و تلاش کرده‌اند وجه شباهت این دو موضوع را در عقود بدانند که شامل همه احکام شرعی مثل عبادات، حلال و حرام و... می‌شود.^۲

ابهام روشنی در سیاق این آیه برای استناد به موضوع ولایت دیده می‌شود؛ اگرچه مفسران در این اختلاف تبیین‌ها، به دلیل اهمیت موضوع، به صراحت به آن اشاره نمی‌کنند. با این حال مفسران شیعی معاصر، تلاش داشته‌اند که اعتبار سیاق را در این آیه هم چنان حفظ کنند. نقدی که به دیدگاه اخیر وارد می‌باشد آن است که اگرچه مفسر، توجیهی بعید برای ارتباط اضطرار با مسئله ولایت بیان کرده، ولی توضیحی در رابطه با نکات ذیل نداده است:

اولاً، چه ارتباطی بین موضوع حرمت گوشت‌های میته، خون، گوشت خوک و... با اكمال دین و ولایت وجود دارد؟

ثانیاً، مفسر مفهوم ولایت در واژه نعمت را در آیه سوم، مفروض گرفته و تلاش کرده بین مسئله اضطرار در ولایت و خوردن گوشت، مشابهت ایجاد کند. درحالی‌که در این آیه، تصریحی بر مسئله ولایت وجود ندارد.

۱. مطلوب، احمد، معجم مصطلحات البلاغیه، ص ۵۶۰: «القطع والعطف: تحدّث عنه ابن وهب فقال: فمما قطع الكلام فيه وأخذ في فن آخر ثم عطف بتمام القول الاول عليه قوله ﷺ: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَمْهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَانُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ﴾ الى آخر الآية. و مثله: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلُ لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقُ الْيَوْمِ بَیْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ﴾، ثم قطع و أخذ في كلام آخر فقال: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾، ثم رجع الى الكلام الأول فقال: ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِيْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾».

۲. مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدايت، ۲/۲۹۷؛ سبزواری، محمد، ارشاد الاذهان، ۱۰/۳۰۳.

ثالثاً، این اضطراب ممکن است در بسیاری موارد تحقق پیدا کند؛ چه ارتباطی بین گوشت حلال و حرام با مسئله ولایت است؟

۵-۲- اعتبار سیاق در آیه اکمال

بهترین روش برای تعیین سیاق اصلی سوره مائده، مراجعه به آیات آن و مرتبط کردن معانی و مفاهیمی است که از ظاهر به دست می‌آید. در صورتی که بتوان این مفاهیم را بدون تکلف زیر یک چتر واحد جمع کرد، می‌توان آن موضوع را به عنوان غرض اصلی سوره اعلام کرد.^۱

مشکل اصلی در فهم آیه اکمال، عدم توجه به غرض سوره است. هدف و غرض سوره مائده، بیان نعمات الهی اعم از مادی و معنوی است. نعمات دارای مراتب هستند.^۲ شیوه تذکر به این نعمات، شروع از نعمات حسی مثل خوراک، همسر و... است، و بعد به نعمت‌های معنوی و بزرگ‌تر مانند: طهارت، هدایت، امنیت، ولایت و... ختم می‌شود.

این نوع روش بیان در عرف مردم هم وجود دارد؛ مثلاً اگر فردی بخواهد به دیگری هدیه‌های متعددی بدهد، از هدیه‌های کوچک‌تر آغاز می‌کند و در آخر، هدیه بزرگ را به او می‌دهد؛ ولی در میانه اهدای هدایای کوچک‌تر، برای ایجاد شوق یا آگاهانیدن از اهمیت هدیه بزرگ‌تر، تذکری نسبت به وجود آن نیز می‌دهد؛ به عنوان مثال هدیه دهنده می‌گوید: امروز لطفم را در حق تو کامل کرده‌ام و بهترین هدیه را به تومی دهم و با این عبارت، شوق را در متنعم ایجاد می‌کند تا اهمیت و بزرگی آن هدیه را دریابد.

اگر عبارت «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۳ در میان آیات مربوط به گوشت‌های حلال و حرام آمده است، نه جمله معترضه

۱. امیرخیز، ایرج، «هر سوره به سان مجموعه‌ای منظم»، مطالعات اسلامی، ۴۹/۴۶۷-۵۱۰.

۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۴۸/۵.

۳. مائده: «تَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُجِلَ لَهُمْ قُلْ أُجِلَ لَكُمْ الظَّيْمَاتُ» (۴)؛ «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ» (۵)؛ «لَكِنْ يُرِيدُ لِيُظْهِرَكُمْ وَلِيُبَيِّنَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ» (۶)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ

هست که ربطی به عبارت نداشته باشد، نه سیاق نامعتبر است و نه ارتباط موضوعی و صدور قطع شده است، بلکه گستره سیاق وسیع تر است؛ خداوند نعمت‌ها را از حسی به معنوی به تدریج ذکر می‌کند و در این میان جمله‌ای می‌گوید که شوق را در خواننده، برای بزرگ‌ترین نعمت ایجاد کند. خداوند این جمله را مجدداً در آیه ششم نیز تکرار می‌کند: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنَمِّتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ». بنابراین، این نعمت همان نعمت ولایت است؛ زیرا در آیات بعدی نیز به نعمت حاکم صالح اشاره می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ!»^۱ این آیه بیان می‌دارد که خداوند به بنی اسرائیل برترین نعمت‌ها را داد و آن انبیا و پادشاهان دین‌دار مانند سلیمان و داود بود.

از روش تشویق و تعظیم موضوع، در قرآن کریم، بارها با اسلوب‌های مختلفی مانند استفهام، ذکر موصول، ذکر اسم مبهم، تکرار و... استفاده شده است؛ به عنوان نمونه آیات: «هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ»^۲، «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ»^۳، «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ»^۴ و... از این روش تبعیت می‌کنند. در این مورد نیز از تکرار کلمه نعمت، برای تشویق و تعظیم نعمت ولایت، در آیات آغازین سوره استفاده شده است.

قَوْمًا أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ (۱۱)؛ «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا» (۲۰).

۱. مائده: ۲۰.

۲. صف: ۱۰.

۳. نبا: ۱.

۴. توبه: ۳۷.

۵. سیوطی، عبدالرحمن، الاشباه والنظائر، ۳/۳۴۱؛ هاشمی، احمد، ترجمه و شرح جواهر البلاغه، ۱۵۶/۱: «ويزداد جعل "سبحان الله" مبتدأ قَدَم خبره بنكته بلاغية لأجلها قَدَم الخبر، وهي التشويق إلى المبتدأ، وكَلِمَا طال الخبر حسن هذا النوع، لأنه كَلِمَا طال بذكر الأوصاف ازداد الشوق إلى المحدث عنه بها، كما هو في الحديث الكريم حيث قال: "كلمتان خفيفتان على اللسان ثقيلتان في الميزان حبيبتان إلى الرحمن" فإن النفس كثر تشوقها بذلك إلى سماع المحدث عنه بها، فلم يجئ "سبحان الله و بحمده سبحان الله العظيم" إلا و النفس في غاية الشوق إلى سماعه».

ثروت، علم، سلامتی، رفاه، امنیت و... زمانی در جامعه گسترش می‌یابد، که مردم حاکمان خردمند، عادل و شایسته داشته باشند و اگر جامعه مبتلا به حاکم بی‌تقوا، ظالم و نادان شد، مردم نمی‌توانند از سایر نعمات به خوبی بهره‌مند شوند؛ زیرا فقر، فلاکت، بدبختی و... در آن جامعه رشد خواهد کرد.^۱ همواره تأمین نیازهای اساسی جامعه، پای حکومت‌ها را به میان می‌کشد؛ حفاظت از اجتماع در برابر بحران‌هایی که رشد و توسعه اقتصادی، انسانی و... را تهدید می‌کند، وضع قوانین عادلانه، تأمین رفاه عمومی و... بر عهده حاکمان است.^۲

وقتی خداوند نعمت‌ها را یک‌به‌یک شمرد، نوبت به نعمت نهایی و برترین نعمت می‌رسد که خداوند به پیامبرش می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...»^۳. بنابراین با نگرش ساختاری به سوره مائده، و توجه به غرض این سوره - که بیان نعمت‌های الهی است -، و توجه به بافت موقعیتی، روشن می‌شود که سیاق در آیه سوم سوره مائده، برخلاف دیدگاه شایع در بین مفسران، معتبر است و محلّ به استدلال کلامی شیعه در باب ولایت امام علی علیه السلام نیست. اثبات اصالت سیاق در آیه سوم سوره مائده - که به عنوان پرسش مهمی از سده‌های نخستین تا کنون، در تفاسیر شیعی باقی مانده بود و راهکارهای مختلف توان ابهام‌زدایی از این موضوع را نداشت - با استناد به روش تفسیر ساختاری و استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی و استناد به بافت موقعیتی، میسر می‌شود.

نتیجه‌گیری

سوره مائده یکی از سوره‌های بلند قرآن کریم است و دارای موضوعات متنوعی مانند

۱. اطهاری، کمال، «حاکمیت شایسته و ضرورت احیای حوزه عمومی»، جستارهای شهرسازی، ۳۲/۱۹ - ۳۷.

۲. مظفری، مهدی، «اندیشه سیاسی الگوی نیازهای اساسی»، پژوهش‌های سیاست نظری، ۱۵۳/۲۲ - ۱۸۳.

۳. مائده: ۶۷.

احکام مربوط به صید در احرام، گوشت‌های حرام، وضو، عدالت و... است. مفسران و متکلمان شیعی، در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به سه آیه موجود در این سوره: تبلیغ، ولایت و اکمال استناد کرده‌اند. در ابتدای آیه اکمال، سخن از حرمت گوشت‌های حرام است، و در میانه آن سخن از یأس کفار، اتمام نعمت و اکمال دین، و در پایان نیز اباحه مصرف گوشت حرام در حال اضطرار بیان شده است. عبارت اکمال دین و اتمام نعمت ظاهراً با سیاق پیشین و پسین ناسازگار است. راهکارهای مختلفی از جمله ترتیب اجتهادی، مخفی کردن، جمله معترضه، شرایط اعتبار سیاق و... برای این مشکل ارائه شده است.

استفاده از ابزار بافت موقعیتی (آخرین سوره نازل شده، رقابت برای خلافت در بین صحابه و...) و بافت متنی (ریشه‌شناسی واژه مائده، کلمات پرکاربرد نعمت، سیاق و...) و تفسیر ساختاری نشان می‌دهد که هدف این سوره بیان نعمت‌های الهی و برترین نعمت، یعنی ولایت است که مسئولیت عمل به میثاق‌ها را به دنبال دارد. خداوند نعمات مادی و معنوی را بیان می‌کند و دوبار در آیه سوم و ششم، به برترین نعمت که ولایت است اشاره می‌کند. او به هدف ایجاد شوق یا آگاهی نسبت به اهمیت نعمت ولایت، و پیش از طرح آن نعمت، بیان می‌کند که امروز نعمت تمام خواهد شد، بدون آن که آن نعمت را ذکر کند. در این سوره به ویژگی‌های یک حاکم اسلامی و وظایف مردم در برابر نعمت ولایت اشاره شده است، تا مسلمانان در هر زمانی بتوانند در پرتو آموزه‌های این سوره، حاکم شایسته خود را بشناسند. محتوای این سوره با انطباق آن بر گزارشات تاریخی باقیمانده درباره خلفای سه‌گانه و حضرت امیر علیه السلام، برترین گواه بر حقانیت و اولویت امیرالمؤمنین علیه السلام بر خلافت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

کتابها

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبدالحمید، جلوه تاریخ در نهج البلاغه، ترجمه دامغانی، نی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

ابن اثیر، مبارک بن محمد، الكامل فی التاریخ، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ ق.

ابن شبه، عمر بن شبه، تاریخ مدینه، نشریه نفقه سید حبیب محبوب، جده، ۱۳۹۹ ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، مطبعة الحیدریه، قم، ۱۳۷۹ ق.

ابن ضریس، محمد بن ایوب، فضائل القرآن و ما انزل بمکه و مدینه، دار الفکر، دمشق، ۱۴۰۸ ق.

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاح، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقانیس اللغة، مطبعة الاعلام الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، البدایة و النهایة، دار الفکر، بیروت، ۱۹۸۶ م.

ابوعزیز، سعدیوسف، الاسرائیلیات و الموضوعات، مكتبة التوقية، قاهره.

احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۲۰۰۱ م.

اراکى، محسن، نظریة الحكم في الاسلام، مجمع اندیشه اسلامی، قم، ۱۴۲۵ ق.

اسماء ابوبکر، محمد، شخصیه عمر بن خطاب من خلال التفسیر المأثور، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، علمی، تهران، ۱۳۴۰ ش.

امینی، ابراهیم، عید الغدیر فی الاسلام، فیض الغدیر، قم، ۱۳۴۹ ش.

ایازی، محمد علی، چهره پیوسته قرآن، هستی نما، تهران، ۱۳۸۰ ش.

بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۲ ش.

باردن، لویس، تحلیل محتوا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، دار طوق النجاة، دمشق، ۱۴۲۲ ق.

بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

تهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، علامه طباطبایی، مشهد، ۱۴۲۶ ق.

- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- عاملی، محمد بن حسن، الايقاظ من الهجعة، نوید، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- عون، علی ابوالقاسم، بحوث في اللغة والفكر، كلية الدعوة الاسلامية، طرابلس، ۲۰۰۵ م.
- فاروق، مراد، ملتی اللغتين العبرية والعربية، مكتبة الشريعة، مصر، ۱۹۳۶ م.
- فضل الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- فیرلین، بروج، القاموس الموسوعة للعهد الجديد، مكتبة الدار الكلمة، قاهره، ۲۰۰۷ م.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المَحَجَّةُ البَیضاءُ فی تَهذیبِ الأَحیاءِ، حسنین عليه السلام، قم، ۱۳۸۴ ش.
- ، تفسیر الصافي، مكتبة الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس های قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- قمی مشهدی، محمد، كنز الدقائق، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الكافي، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- کنعانی مقدم، حسین، نظریه و روش تفسیر سیاقی قرآن، عروج اندیشه، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، كنز العمال، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسة وفا، بیروت، ۱۴۴۰ ق.
- مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۹ ق.
- مزرachi، فیلیکس، قاموس عبری - عربی.
- مطلوب، احمد، معجم مصطلحات البلاغية وتطورها، ناشرون، بیروت، ۱۹۸۷ م.
- هاشمی، احمد، ترجمه و شرح جواهر البلاغه، عرفان، قم، ۱۳۸۸ ش.
- واقدی، محمد بن عمر، مغازی، دار الاعلمي، بیروت، ۱۹۶۰ م.
- ی. قوجمان، دیکشنری عبری - عربی، مكتبة المحتسب، ۱۹۷۰ م.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶ ش.

مقالات

- اطهاری، کمال، «حاکمیت شایسته و ضرورت احیای حوزه عمومی»، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹، ۱۳۸۶ ش.
- امیرخیز، ایرج، «هرسوره به سان مجموعه ای منظم»، مطالعات اسلامی، شماره ۴۹، ۱۳۷۹ ش.
- بوستانی، محمود، «التفسیر البنائی للقرآن الکریم»، المصباح، شماره ۱، ۱۴۳۱ ق.
- جاسم صکبان، علی، «العطاء و الرزق في صدر الاسلام»، البنات للتربية، شماره ۲۰، ۲۰۰۹ م.
- جانی پور، محمد، «رهاوردهای استفاده از روش "تحلیل محتوا کمی" در فهم احادیث»، پژوهش های قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.
- حاجی زاده، یدالله، «ریشه ها و علل پیدایش غلو»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۹۲ ش.
- حسن جابر، «وظيفة القيادة في الاسلام»، منطلق، شماره ۷۰، ۱۴۱۱ ق.
- حسینی، بی بی زینب، «جایگاه روش تفسیر ساختاری در فهم قرآن»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، شماره ۱۱، ۱۳۹۶ ش.
- صادقی، علی، «تفسیر ساختاری سوره کوثر»، مطالعات تفسیری، شماره ۲۲، ۱۳۹۴ ش.
- مظفری، مهدی، «اندیشه سیاسی الگوی نیازهای اساسی»، پژوهش های سیاست نظری، شماره ۲۲، ۱۳۹۶ ش.

منابع انگلیسی

Costaz, Louis, Dictionnaire Syriaque _ Feançais: Syriac _ English Dictionary, Beyrouth, Darel _ Machreq, 2002.

إثبات ولاية أمير المؤمنين عليه السلام في سورة المائدة اعتماداً على منهج التفسير الهيكلي

بي بي زينب حسيني^١ / محسن برزمند^٢

الخلاصة:

تعتبر سورة المائدة من السور الطوال في القرآن الكريم وآخر سورة نازلة على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. وقد وردت في هذه السورة آيات عديدة في أمير المؤمنين عليه السلام منها: آية الولاية، آية التبليغ، آية الإكمال، والتي يثبت من خلالها مفسرو الشيعة إمامة أمير المؤمنين عليه السلام.

إن عدم موائمة السياق وما قبل الآية الثالثة وما بعدها (وهي آية الإكمال) والتي ترتبط باللحوم المحرمة، وعدم تناسجها مع مسألة إكمال الدين، مما دفع المفسرين إلى عرض وجوه في حل هذه المعضلة التفسيرية، وجوه نحو: عدم التوافق في الصدور، التفرق في التنزيل، اعتراضية عبارة «اليوم أكملت لكم دينكم»، وغير ذلك.

في هذه الدراسة من خلال اعتماد المنهج الهيكلي وأدواته يعرض حلول علمية جديدة في حل هذه المعضلة التفسيرية، والتي من خلالها تنحل معضلة عدم موائمة السياق فحسب، بل تفتح آفاق جديدة في تفسير سورة المائدة، وتبين علاقة الآيات مع بعضها بصورة أوضح.

لقد أشار الله تعالى في هذه السورة إلى الولاية بعنوانه أهم نعم الله للمجتمع البشري، والتي عن طريقها تكون النعم المادية والمعنوية قابلة للاستفادة، كما يبين الله تعالى الحاكم الصالح للقيادة ووظائفه مع الناس، وتطبيق هذه الخصائص مع الأحداث التاريخية الواصلة إلينا من القرن الاول الهجري تبين أحقية ولاية أمير المؤمنين عليه السلام، وإن لم يذكر اسمه فيها.

المفردات الأساسية: التفسير الهيكلي، تحليل المحتوى، السياق، آية الإكمال، النعمة.

١. أستاذ مساعد في كلية الإلهيات بجامعة ياسوج: zhosseine1400@gmail.com

٢. طالب مرحلة الماجستير في علوم القرآن والحديث: mohsenb1372@mihnamail.ir

after prophet. Almighty Allah sought to emphasize on authority and leadership as the most important blessing for the humankind. A blessing that overshadows all other blessings and is the key that unlocks the door to use other blessings. Almighty Allah outlines the features of a qualified leader and defines the responsibilities of people towards a just leader. Although, no direct reference is made to the name of Imam Ali in these verses, one clearly understands that juxtaposing these features and historical propositions remaining from the first century after Hijra clearly exhibits the righteousness of Imam Ali's authority and leadership on Muslims of that era as the successor of prophet.

Key words: constructive interpretation, content interpretation, method, the verse on perfection of Islam, blessing

Proving the righteousness of Imam Ali as the successor of prophet revealed in Surat al Maede using formal interpretation method

Bi Bi Zeinab Husseini¹ / Mohsen Borzmand²

Abstract

Surat al Maede is among the longest ones revealed to the prophet of Islam. It is also known as the last of revelations to the prophet of Islam. This Surat is replete with multiple verses on authority and leadership, preaching and perfection. Shia interpretation scholars bring these verses as proofs and quote them frequently to prove the righteousness of Imam Ali as the successor of prophet and the just leader of Muslims. However, there exists an incongruence between the verses prior to verse three and the verses following it. The verse prior to verse three is about consumption of un-Halal meat, the following verses talk about perfection of Islam as a religion. Interpreters attempted to address this seemingly incongruent placement of verse. Some scholars offered their solutions for these seemingly incongruent verse, such as discontinuity of revelation to prophet, scatteredness in revelation, irrelevance of the phrase "This day I have perfected for you your religion and completed My favor upon you". The current study adopts a constructive interpretation method and taps on the tools offered by this method seeking to solve this interpretation riddle. This study sets two goals: First, unveiling the seemingly incongruent parts of the verse on perfection of Islam, second presenting a new horizon on Surat al Maede depicting clearly the relationship between the verses and the issue of authority and leadership

1. Assistant professor, department of theology, university of Yasooj.
Email: Zhosseini1400@gmail.com

2. MA in Quran and Hadith sciences. Email: mohsenb1372@mihanmail.ir